

در پایان دولت قبل حدود ۶۰ هزار میلیارد تومان تخصیص بدون وجود منابع در خزانه مانده بود؛ یعنی دولت سیزدهم خزانه خالی نه بلکه خزانه مقروض را تحويل گرفت

خزانه مقروض

در پایان دولت قبل حدود ۶۰ هزار میلیارد تومان تخصیص بدون وجود منابع در خزانه مانده بود؛ یعنی دولت سیزدهم خزانه خالی نه بلکه خزانه مقروض را تحويل گرفت.

برای توصیف این وضعیت به زبان ساده، می توان آن را با کشیدن چک بلامحل تشبیه کرد؛ یعنی دولت گذشته در ماه پایانی فعالیت خود برای برخی مصارف، چک های بلامحل ۶۰ هزار میلیارد تومانی کشیده بود که تأمین مالی آن بر عهده دولت سیزدهم در ابتدای فعالیتش بود.

در دولت قبل علی رغم بی عملی در افزایش درآمدهای پایدار دولت هزینه های جاری به شدت افزایش یافت و به عبارتی دولت قبل با رشد هشت برابری نقدینگی هزینه های خود را از جیب مردم تأمین کرد، در این بین بیشترین آسیب به قشر متوسط و کم درآمد وارد شد و عبور ضریب جینی از ۴۰ واحد بیانگر افزایش فاصله طبقاتی است.

هزینه های جاری در دولت گذشته بیش از ۶/۴ برابر شد؛ برای تأمین این هزینه ها علاوه بر انتشار قابل توجه اوراق مشارکت و انتقال بدهی به دولت فعلی، به ادعای رئیس کل بانک مرکزی وقت به استفاده از پول پر قدرت روی آورد و نتیجه هم شد عبور نقدینگی از مرز ۴ هزار هزار میلیارد تومان و تورم ۵۰ درصدی؛ تنها در ۴ ماه آخر دولت قبل ۵۴ هزار میلیارد تومان از منابع بانک مرکزی استقراض شد و این در حالی بود که حدود ۶۰ هزار میلیارد تومان تخصیص بدون وجود منابع در خزانه گیر کرده بود؛ یعنی دولت سیزدهم خزانه

خالی نه خزانه مقروض را تحويل گرفت.

بر همین اساس دولت سیزدهم از بدو آغاز فعالیت رویکرد غلط استفاده از پول پر قدرت را ممنوع کرد؛ از سوی دیگر با ایجاد برنامه ریزی دقیق موفق به افزایش درآمدهای کشور در بخش درآمدهای نفتی و غیرنفتی شد؛ در اثر همین رویکرد هم علاوه بر تأمین هزینه های جاری رکورد تاریخی پرداخت ۲۰۰ هزار میلیارد تومان به اشتغال بخش های عمرانی به ثبت رسید.

دولت سیزدهم در پایان سال ۱۴۰۰ علاوه بر تأمین غیرتورمی هزینه های جاری و عمرانی بخش قابل توجهی از بدهی اقشار مختلف را هم پرداخت کرد؛ حتی تنخواه ۵۴ هزار میلیارد تومانی که صرف خاصه خرجی های دولت قبل شده بود را تسویه نمود. همین رویکرد منجر به منفی شدن رشد نقدینگی بعد ۹ سال در فروردین امسال شد.

البته باید گفت غلبه کامل بر معضلات کهنه ساختاری بودجه نیازمند برنامه ریزی و اندیشیدن تمهیداتی است که مسلماً طی دوره مالی یک ساله امکان پذیر نمی باشد. در مورد استفاده از تنخواه گردان خزانه، برای ماه های ابتدایی سال، با عنایت به تأخیر در کسب درآمدها و الزام به پرداخت هزینه ها در زمان سررسید آنها، عموماً دولت در ماه های اولیه سال از تنخواه استفاده می کند و به تدریج طی سال، با تأمین درآمدها و منابع بودجه عمومی کشور، تنخواه گردان خزانه را تسویه می کند، اما دولت سیزدهم هزینه های کشور در دو ماه ابتدایی سال را بدون استفاده از این تنخواه انجام داد.

تأمین کالاهای اساسی

دولت سیزدهم در شرایطی در تابستان سال ۱۴۰۰ شروع به کار کرد که وضعیت تأمین کالاهای اساسی به شدت بحرانی بود. طبق آمارهای وزارت صمت، در پایان خرداد ۱۴۰۰ در زمینه تأمین روغن خام کشور بیش از یک میلیون تن کسری وجود داشت. در زمینه تأمین شکر بیش از ۶۰۰ هزار تن کسری وجود داشت و ۱/۳ میلیون تن نیز برای تأمین برنج کمبود به چشم می خورد. در اواخر دولت گذشته، کسری گندم کشور هم ۶/۷ میلیون تن و نهاده های دامی ۱۲/۸ میلیون تن بود.

این در حالی است که در سال ۱۳۹۲ که سال پایانی دولت دهم بود با تمهیداتی که آن دولت اتخاذ کرده بود دولت در تمامی این کالاهای اساسی با مزاد تأمین هم مواجه شد به طوری که میزان تأمین روغن خام کشور ۱۸۱ هزار تن بیش

از نیاز بود.

میزان مازاد تأمین شکر در سال ۱۳۹۲ بیش از ۳۵۰ هزار تن و برنج بیش از ۴۰۰ هزار تن بود. در سال ۱۳۹۲ کسری گندم کشور ۱/۹ میلیون تن بود در حالی که در پایان دولت روحانی همانطور که ذکر شد این رقم به ۶/۷ میلیون تن افزایش یافت. میزان کسری نهاده های دامی نیز در سال ۱۳۹۲ حدود ۲/۷ میلیون تن بود در حالی که در پایان دولت دوازدهم به ۱۲/۸ میلیون تن افزایش یافت که تأمین این حجم عظیم کسری کالاهای اساسی، دولت سیزدهم را در ابتدای کار با مشکل جدی مواجه کرد. این در حالی بود که دولت دوازدهم تمامی ۸ میلیارد دلار ارز ترجیحی مصوب بودجه ۱۴۰۰ را در همان دوره کاری خود مصرف کرده بود و دولت سیزدهم برای نیمه دوم سال ۱۴۰۰ مجوز استفاده از ارز ترجیحی جدید نداشت.